

دریچه

عراقچی: جنگ آینده‌خاورمیانه بر سر آب خواهد بود

● «دیپلماسی آب»، «دیپلماسی آب مجازی»، «کشت فراسرزمنی» و «جنگ آب در خاورمیانه» محورهایی است که سیدعباس عراقچی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت خارجه، در گفت‌وگو با «ایبنا» به آنها اشاره کرده است. او از تلاش وزارت خارجه برای حل بحران آب می‌گوید: «کمیت آب» در وزارت خارجه با این هدف تشکیل شده است. مهم‌ترین نکات این گفت‌وگورا بخوانید:

- موضوع آب، تأمین منابع آبی، مقابله با کم‌آبی و چگونگی استفاده از حوزه‌های آبی مشترک از گذشته جزء مسائل سیاست خارجی بوده و در وزارت خارجه این دوره، مورد توجه قرار گرفته است.
- در چند دهه اخیر آب به یک دغدغه جهانی تبدیل شده و در همین چارچوب «دیپلماسی آب» و علمی به نام «سیاست آب» یا «هیدروپلیتیکس» شکل گرفته است؛ در برخی از دانشگاه‌های معتبر دنیا این رشته‌ها تدریس می‌شوند.
- بخشی به نام دیپلماسی آب در این معاونت شکل گرفته و دستیار ویژه‌ای سرپرستی این بخش را بر عهده دارد. در ساختار جدید وزارت خارجه، دیپلماسی آب جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت.
- کمیت آب در وزارت خارجه، تشکیل شده، در جریان مذاکرات اخیر ایران و افغانستان بر تشکیل پنج کمیته کاری بین دو کشور توافق شد که یکی از این کمیته‌ها، کمیته آب است.
- مسئولیت هرکدام از کمیته‌ها با یکی از معاونان وزیر در وزارتخانه‌های مختلف است، اما همه این کمیته‌ها زیر نظر و سر امور خارجه فعالیت می‌کنند. مسئولیت کمیته آب به معاونت حقوقی و بین‌الملل دستگاه دیپلماسی سپرده شده است.
- درباره آب، سه موضوع تالاب‌های هامون، رود هیرمند و رودخانه هریروود بین ایران و افغانستان مطرح است و در کمیته آب که بین ایران و افغانستان تشکیل شده، بررسی می‌شود.
- تالاب‌های هامون و اکوسیستم این منطقه مهم است. به‌دلیل بی‌توجهی‌ها و تغییرات اقلیمی، خیلی از تالاب‌ها به سمت خشک شدن رفته‌اند و مشکلاتی در زمینه کشاورزی و همچنین محیط زیست مانند تولید گرد و غبار ایجاد شده است.

- درباره رودخانه هیرمند معاهده‌ای بین ما و افغانستان از سال‌های قبل منعقد شده است، ولی قدیمی‌بودن این معاهده دلیل بر بی‌اعتباربودن آن نیست. از نظر دولت ایران و افغانستان این معاهده کامکان معتبر است.
- حقابه ما از رودخانه هیرمند امری جدا از حقابه محیط زیست است. این روزها فقط کشورها و مردم نیستند که از حقابه برخوردارند، بلکه محیط زیست و طبیعت نیز حقی از این موضوع دارند.
- رودخانه هریروود، پرونده‌ای بیز بین ایران و افغانستان است. هنوز هیچ رژیم حقوقی بین ما و افغانستان و همچنین کشور ترکمنستان که به‌نوعی در این موضوع شراکت دارد، ایجاد نشده است.
- موضوع چهارمی که در کمیته آب در حال بحث و رایزنی درباره آن هستیم، همکاری دو کشور ایران و افغانستان در حوزه آب است. مسائل آبی لزوماً نباید به منازعه، مقابله و درگیری منجر شود. بلکه می‌توانیم از آن به‌عنوان موضوعی برای همکاری استفاده کنیم.

● بین ایران و افغانستان معاهده‌ای به نام معاهده هیرمند وجود دارد که در ارتباط با آن ده‌ها سال مذاکره شده تا دو طرف توانسته‌اند به توافق برسند، گرچه بعد از توافق نیز حرف‌ها،نقل‌ها و مباحثی نیز همچنان مطرح بوده است.

- بحران آب در خاورمیانه به بحرانی بسیار جدی تبدیل شده است و هر روز این بحران عمیق‌تر و وخیم‌تر شود.
- جنگ آب یک موضوع جدید نیست، همیشه وجود داشته و سال‌ها به‌عنوان یک خطر جدی در خاورمیانه به آن توجه شده است. این احتمال وجود دارد که جنگ‌های آتی در این منطقه بر سر آب باشد.
- ارتزایی‌های بین‌المللی نشان می‌دهد تا سال ۲۰۲۵ کل منطقه خاورمیانه رسماً به‌عنوان منطقه خشک شناخته خواهد شد که ایران نیز شامل آن می‌شود. این وضعیت تا سال ۲۰۵۰ با به‌راتب وخیم‌تر خواهد شد.
- در چارچوب مقوله آب، کشت‌های فراسرزمنی مطرح می‌شود؛ کشورها می‌توانند در این زمینه با یکدیگر قرارداد ببندند.
- دولت و وزارت خارجه هر دو روی آب و دیپلماسی آب جدیت و حساسیت دارند. دیپلماسی آب به مرور جایگاه خود را در سیاست خارجی کشور باز کرده البته کار در این زمینه سخت و طولانی است، ولی امیدواریم بتوانیم با تلاش و برنامه‌ریزی منافع ملی کشور را در این چارچوب تأمین کنیم.
- با وزارتخانه‌های نیرو، کشاورزی و سازمان محیط زیست به‌صورت مرتب جلسه داریم و درباره موضوع آب، رودخانه‌های فرامرزی، تأمین آب حوضه‌های مشترک، بحث‌های زیست‌محیطی و گردوغبار، گفت‌وگوهای جدی انجام می‌دهیم و همکاری‌های مستمری در حال شکل‌گرفتن است.
- رئیس‌جمهور در اجلاس اخیر کردوغبار که در تهران برگزار شده بود، به‌صورت تلویحی از سدسازی‌های ترکیه که به پروژه گاپ «GAP» یا Guneydogu Anadolu Projesi معروف است، انتقاد کرد؛ چراکه این پروژه بر دجله و هورالعظیم تأثیر می‌گذارد.

politics@sharghdaily.ir

ادامه از صفحه ۶

امام موسی صدر برای من و تعدادی دیگر از مبارزان به عنوان عضو مجلس شیعیان لبنان اقامت گرفت و خیلی به ما کمک کرد. حداقل ۲۰ نفر از دوستان هم که در سوریه بودند، امام موسی صدر با مرحوم حافظ اسد درباره آنها صحبت کرد و حافظ اسد به وزارت کشور دستور داد و برای همه آنها اقامت گرفت. تا آخرین لحظه‌ای که امام موسی صدر در لبنان بودند- قبل از اینکه به لیبی بروند- ما مرتب به منزل، دفتر و مجلس اعلا رفت‌وآمد داشتیم. به یاد دارم ایشان نامه‌ای نوشتند و من را به دانشگاه مدینه معرفی کردند تا به آنجا بروم و وضعیت آن دانشگاه را بررسی کنم. در آن نامه من را به عنوان عضو مجلس اعلای شیعیان معرفی کردند که با من همکاری کنند.

کا نظر امام موسی صدر درباره فعالیت‌هایی که شما می‌کردید، چه بود؟

امام موسی صدر قطعاً موافق بود و حمایت می‌کرد. **کا نمی‌خواهم وارد بحث امام موسی صدر شوم. ولی قرائت متفاوتی وجود دارد؛ گفته می‌شود ایشان چهره معذلی بودند و بدینش و ظاهرا در بعضی از مراوداتی که با شاه داشت، باعث آزادی بعضی از زندانیان هم شدند.گویا ایشان به همین دلیل هم چندان مقبول جریان انقلابی نبود؟**

آن زمان جریان مبارزات به‌گونه‌ای بود که اگر کسی با شاه یا رژیم تماس می‌گرفت، منفور می‌شد، منتها ایشان به‌عنوان رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان، دارای یک شخصیت سیاسی بود. یعنی رهبر کل شیعیان لبنان بود. سال‌های ۵۰ یا ۵۱ که ایشان به ایران آمد. آن زمان تعدادی از سران مجاهدین خلق هم دستگیر شده بودند و تحت شکنجه‌های بسیار شدیدی قرار داشتند. قرار بود ایشان برای بحث کمک به شیعیان لبنان با شاه دیداری داشته باشند. تعدادی از شخصیت‌ها این‌جمله بودند: بهشتی از ایشان خواستند مسئله مجاهدین خلق را هم در این دیدار مطرح کند و از شاه بخواهد آنها را آزاد کند. یک بار که مرحوم شهید بهشتی به منزل ما آمده بود از ایشان شنیدم که: «برادر امام موسی صدر گفتند که من وقتی با شاه ملاقات داشتم، مسئله مجاهدین خلق را هم مطرح کردم و آرام‌آرام محبت می‌کردم و هر جمله‌ای که می‌گفتم به چهره شاه نگاه می‌کردم تا ببینم چه تاثیری بر شاه می‌گذارد». غرض اینکه مرحوم بهشتی هم از امام موسی صدر خواسته بود آزادی مجاهدین خلق را با شاه مطرح کند، منتها در آن زمان انقلابیون به هرکسی که به شاه نزدیک می‌شد، معترض بودند. امام موسی واقعا یک شخصیت فوق‌العاده بود. ایشان بارها مبارزه با اسرائیل، جنبش امل شاخه نظامی حركة المحرومین را ایجاد کرد. آنچه ما در سال‌های بعد از جنبش امل و بعدا جنبش حزب‌الله می‌بینیم، نتیجه تلاش‌های ایشان است. همین چند روز قبل یک اجتماع بزرگ که در بعلبک به مناسبت پیروزی بر داعش تشکیل شده بود، سخنرانی سید حسن نصرالله، با تاریخ رپوده‌شدن امام موسوی صدر مصادف بود. ایشان مفصل درباره امام موسی صدر صحبت و تاکید کرد آنچه امروز به عنوان حزب‌الله داریم، ثمره پذری بود که امام موسی صدر در لبنان کاشت.

کا راجع به جنبش امل حرف و حدیث زیاد است...
بله. ولی در حال حاضر اصل همکاری خوبی با حزب‌الله دارد. در همین سخنرانی سیدحسن نصرالله از نینیه بری- رئیس مجلس لبنان - تجلیل کرد که همواره با حزب‌الله همراهی داشته است. البته در برهه‌ای اختلافات شدید و درگیری داشتند. آیت‌الله جنتی هم مامور رسیدگی به آن اختلافات شد. به لبنان رفت تا مشکلات آنها را حل‌وفصل کند.

کا توانست حل کند؟

کا در سال‌هایی که برادر شما با مجاهدین در ارتباط بود و بازداشت شد، شما و پدر آیا می‌توانستید با او ارتباط بگیرید؟

ایشان سال ۵۲ ازجمله خواهر هسرم و من از اواخر ۵۲ زندگی مخفی داشتیم و از سال ۵۴ هم به خارج از کشور رقتم. او هم زندگی مخفی خودش را داشت. به این ترتیب هیچ ارتباطی با هم نداشتیم. پدر در اسدآباد همدان تبعید بود و آنجا هم مامور گذاشته بودند که اگر هر کدام از ما به ملاقات ایشان رفتیم، بازداشت شویم. حتی صاحبخانه ایشان را به عنوان منبع استخدام کرده بودند تا اگر زمانی ما به دیدار پدر رفتیم، خبر بدهد تا دستگیرما کنند. با وجود همه این مشکلات من چند بار با تغییر چهره برای دیدن پدر و مادر به اسدآباد رقتم.

کا نمی‌شناختید؟ چه کار می‌کردید؟

نمی‌توانم بگویم (خنده). به هر قیمتی بود هر چند ماه یک بار، سر می‌زدیم. بعضی وقت‌ها با تعدادی از دوستان در قالب یک جمع می‌رقتم که آنها نمی‌دانستند این جماعت چه کسانی هستند. به هر حال به صورت متفاوت سعی می‌کردم دیدار داشته باشم.

کا چرا دیگر برادرهای شما، حسن و محمد وارد فعالیت سیاسی نشدند؟

افراد متفاوت هستند؛ برادر ناتنی من، حسن آقا درحال حاضر در اصفهان زندگی می‌کند و چندان علاقه‌ای به کار سیاسی نداشت. ایشان یک سال از من کوچک‌تر است و از ابتدا در اصفهان نزد پدربزرگ‌مان رفت و همان‌جا ماند. خیلی علاقه‌ای به درس خواندن هم نشان نمی‌داد. به دنبال کار شخصی بود و هنوز هم به همان فعالیت مشغول است. برادر کوچک‌ترم محمدآقا هم در زمان رژیم گذشته چندان علاقه‌ای به ورود به جریانات مبارزاتی از خود نشان نمی‌داد.

کا آقای جنتی، شنیدم و خوانده‌ام که پدر شما خیلی با حسین صحبت می‌کرد. آیا شده است بعد از این همه سال در قبال اتفاقی که برای او افتاد، ابراز ندامت کنید؟

پدرم هیچ‌وقت ابراز ناراحتی نکردند ولی حتما از

سیاست



علی‌اکبر شهید

ما ژن خوب نداریم

خبر. شرایط من را می‌دانستند.

کا شما در آستانه انقلاب، سفری به لیبی دارید. به این منظور که اگر بعد از سه ماه دولت فرانسه امام را از کشورشان اخراج کردند، به آنجا بروند. اما گویا امام جواب جالبی به شما ندادند. نظر امام در خصوص قضایی چه بود؟

ما از نظر امام خبر نداشتیم. ولی بعدا فهمیدیم که نظر ایشان خیلی منفی است.

کا کاملاً روشن بود که امام موسی صدر را قضایی دستگیر کرده و همه مشکلات زیر سر قضایی است. از طرفی ما چاره‌ای نداشتیم و باید جایی برای امام پیدا می‌کردیم. نمی‌شد که از این فردگاه به آن فرودگاه بروند. قضایی

شعارهای انقلابی می‌داد، از فلسطین حمایت می‌کرد و ضد رژیم شاه بود. ما چندان او را قبول نداشتیم. در عین آنکه قضایی چهره‌ای ضدامپریالیستی بود که از فلسطین و از انقلاب ایران حمایت می‌کرد.

کا چهار پنج روز بعد از انقلاب به ایران برگشتید...
اسفند ۵۷ بود که به توصیه مرحوم شهید بهشتی به کرمانشاه رقتم و دفتر حزب جمهوری اسلامی را آنجا تأسیس کردم. در اردیبهشت سال ۵۹ آقای مهدس غرضی، استاندار خوزستان، از صداوسیما خواست تا من را به‌عنوان مدیر صداوسیمای مرکز اهواز منصوب کنند. آن زمان شورای سرپرستی صداوسیما جمع پنج‌نفره‌ای بود: ازجمله آقایان دکتر هادی، دکتر حاداعادل، موسوی‌خوینی‌ها و دکتر غضنفرپور. به شناختی که بعضی از اعضا مثل دکتر هادی از من داشتند، خواستند که به اهواز بروم و من هم پذیرفتم. این اولین مسئولیت دولتی من بود.

کا بین چهره‌هایی که نام بردید، احساس می‌کنم که رفاقت شما با آقای غرضی بیشتر بود. درست است؟
با بقیه هم رفاقت داشتم. هنوز هم رفاقت داریم. در ماه مبارک رمضان در بعضی از افطاری‌ها، با دوست‌های که در سوریه بودند، جلسه انس داریم. آقای غرضی هم یکی از کسانی بود که با ایشان آشنا شده بودیم. سن ایشان هم از ما بیشتر بود. مرحوم خانم مرضیه دیباغ هم جزء این گروه بود. مجموعه دوستان سوریه دانسا با هم محشور بودیم.

ابتدای سال ۵۹ به صداوسیمای استان خوزستان رقتم و تا دی آن سال آنجا بودیم. بعد از اینکه قانون اداره صداوسیما تصویب شد، مرحوم شهید بهشتی من را به‌عنوان نماینده قوه قضائیه در شورا معرفی کرد.

کا دورانی که در شورای سرپرستی صداوسیما حضور داشتید، مسئولیت دیگری نداشتید؟
خیر. البته اواخر سال ۶۱ تا مرداد ۶۲، ضمن عضویت در شورای سرپرستی مدیر شبکه یک بود. من هم در **کا مقطعی هم که در خوزستان بودید و در صداوسیما، به حجاب خانم‌ها اعتراض داشتید؛ در واقع به شکل ظاهری که با آن سرکار حاضر می‌شدند. هر زمان دستور پاکسازی هم می‌دیدید که باعث جابه‌جایی بخشی از نیروها می‌شود. این متأثر از نگاه انقلابی آن موقع بود یا الان هم آن حساسیت را به پوشش خانم‌ها دارید؟ از اقدامات در پاکسازی‌های که انجام دادید، رضایت دارید؟**

من بنابر مطالعات اسلامی‌ای که داشتم و تجربه‌ای که در خارج کشور کسب کرده بودم، هیچ نوع جزیمت و نگاه دگماتیک داشتم که حتما افراد باید چادر به سر داشته باشند. ندتی هم که در کرمانشاه مسئول حزب بودم و معمولاً در جلسات سخنرانی می‌کردم، بعضی از انمه مساجد علیه من موضع گرفتند که این فرد می‌گوید که حجاب فقط چادر نیست! خب این اعتقاد من بود. بعد که مدیر صداوسیما شدم، از لباس روحانیت بیرون آمدم؛ چون شهید بهشتی تاکید داشتند که حتما ملیس به کرمانشاه بروم.

کا چرا؟
چون روحانیت در آن زمان چهره محبوبی بود و بیشتر می‌توانست تأثیرگذار باشد. بعد که در محیط صداوسیما آمدم، لباس روحانیت را کنار گذاشتم.

کا زمان مبارزه هم لباس روحانیت نمی‌پوشیدید؟
نه، زمانی که تحت تعقیب بودم، لباس نمی‌پوشیدم. صداوسیما هنوز در فضای قبل از انقلاب بود. آن زمان هم من شروع‌کننده بحث پاکسازی نبودم. بحث پاکسازی در کل کشور تصویب شد و اجبار کردند که خانم‌ها حتما باید حجاب اسلامی داشته باشند یا از دستگاه‌های دولتی خارج شوند. ما هم آنچه را که دولت تصمیم گرفته بود، اجرا کردیم؛ ولی ایدا اعتقاد نداشتم که پاکسازی با این‌طور انجام شود؛ مثلاً برخی از کارکنان ارمنی یا جزء سایر اقلیت‌های دینی بودند. لیبلی نداشت که آنها را

بله خبر داشتم.

کا قبل از ازدواج گفتید؟

نه آن زمان نگفتم، بعدا خبر دادم. آنها که سفر به دمشق آمده بودند و اطلاع یافتند.

کا حرف خاصی نداشتید؟

مجبور به رعایت حجاب کنیم.

کا آقای جنتی شما چیهه هم رفته‌اید؟

خب من سه سال - از ۶۳ تا ۶۶ - استاندار خوزستان بودم و آنجا شبانه‌روز جنگ بود! سال ۵۹ هم که جنگ شروع شد من خوزستان بودم. روز ۳۱ شهریور ۵۹ که جنگ شروع شد، من آبادان بودم و تمام حوادث جنگ را از اول شاهد بودم. آن زمان مقام معظم رهبری مشاور اهواز مستقر شدند. کنار ایشان آقای غرضی بود. اطراف شهر را سنگربندی کردند و مواد منفجره کار گذاشتند. من از روز اول آنجا بودم. یک روز در دفترم در صداوسیما بودم که خمپاره‌ای کنار دفتر اصابت کرد و سقف روی سرمان خراب شد. در آن مقطع دالما در پناهگاه زندگی می‌کردیم.

کا خانواده هم با شما در خوزستان بودند؟

اوایل حضورم خوزستان بودند؛ اما بعدا به تهران آمدم. در دوران استانداری هم دائماً در خطر بودیم. بعضی از مسئولان از تهران می‌آمدند، جلسه داشتیم، یکباره خمپاره از بالای سرمان رد می‌شد و صدای سوت آن می‌گفتند که چی بود؟ می‌گفتم هیچ. خیلی خیاباره بود (می‌خندد). در عملیات‌ها هم مرتب به قرارگاه‌ها سر می‌زدیم. زمانی که می‌خواستند فورا آزاد کنند؛ تا نزدیکی ارونه رقتیم و در قرارگاه‌ها حاضر می‌شدیم. بالاخره استان خوزستان شرایط بسیار سختی داشت؛ هم باید مشکلات و معیشت مردم را حل و تأمین می‌کردیم و هم باید به رزمندگان کمک می‌کردیم. گردان‌ها و لشکرهای متعددی که آنجا بودند، مرتب مراجعه می‌کردند و کمک می‌خواستند و باید کمک می‌کردیم. استان دائماً بمباران می‌شد، هم مناطق مسکونی، مثل دزفول که بیش از ۱۲۰ موشک اسکات به آن اصابت کرد. تعداد زیادی شهید می‌شدند و ما باید سرکشی می‌کردیم؛ مراکز صنعتی هم بمباران می‌شد، مثل کاغذسازی پارس، فرودگاه اهواز و... خودش جبهه جنگ بود دیگر!

کا بعد از مدتی که جنگ فرسایشی شد، پیش آمد که با آقای هاشمی‌رفسنجانی درباره جنگ صحبتی داشته باشید؟

خیر. من وارد این حوزه نشدم. من اواخر سال ۶۶ تا پایان جنگ، کمی پذیرفتن قطع‌نامه و تا زمان رحلت امام، رئیس دفتر آقای هاشمی به‌عنوان جانشین فرمانده کل قوا بودم. بیش از یک سال مسئول دفترشان بودم و بیشتر بحث‌های نظامی آنجا طرح می‌شد. ضمن اینکه در آن دوره فعالیت‌های نظامی برای پایان جنگ انجام می‌شد، اعتقاد هم بر این بود که کشور بیشتر از این امکان ندارد که در میدان بجنگد.

حتی نیروهای بسیجی هم که هر وقت فراخوانده می‌شدند، فوج‌فوج به جبهه‌ها می‌آمدند، این اواخر کمتر رغبت‌شان می‌دادند و فرماندهان برای برگردن جبهه‌ها مشکل داشتند. قیمت نفت به بشکه‌ای پنج، شش دلار رسیده بود. این بحث‌ها آن زمان مطرح بود، ولی من به طور خاص وارد این بحث‌ها نکردم.

کا بعد از انتخاب آقای هاشمی به ریاست‌جمهوری به استانداری خراسان رفتید اما کمتر در خصوص استانداری خود در خراسان صحبت کرده‌اید. هیچ کدام از مسائلی که در دوران وزارت شما پیش آمد به آن دوران ربط داشت؟ مثل آقای علم‌الهدی و...
ایشان آن زمان در خراسان نبود. آن موقع اندیشه‌ای امام صادق نبود. آن زمان مرحوم آقای طبسی به نمایندگی از امام در خراسان بودند و من هم به درخواست ایشان به آنجا رقتم. آقای طبسی از مقام معظم رهبری خواستند که دستور دهند من را به عنوان استاندار خراسان به آنجا بفرستند.

کا چرا؟
از قبل من را می‌شناخت. **کا به واسطه پدر یا خودتان؟**
شخصاً من را می‌شناخت. ما در جریان مبارزات با ایشان آشنا شدیم، در دهه ۵۰ که آیت‌الله حاج‌سیدحسن قمی از مشهد به کرج تبعید شده بود. افرادی به دیدن ایشان می‌رفتند و من هم رفته بودم. با آقای طبسی آنجا آشنا شدیم. ایشان پدرم را می‌شناخت و من هم از آن زمان با ایشان آشنا شدم. در مقطعی که من در خوزستان بودم و دشمن عقب‌نشینی کرده بود، آستان قدس مسئول ساخت هویزه شد. به این دلیل آقای طبسی به آن منطقه رفت‌وآمد داشتند و فعالیت‌های ما را می‌دیدند. بنابراین ایشان از مقام معظم رهبری درخواست کردند که من به خراسان بروم.

کا آن زمان مثل امروز این قدر راجع به فعالیت‌های جنبی استان قدس حرف و حدیث نبود؟

خیر. آستان قدس در زمان ایشان جایگاه خود را داشت. مرحوم طبسی هم شخصیت برجسته‌ای بودند و ما هم در استانداری همکاری نزدیکی با ایشان داشتیم.

کا احبابا پروژه مشترکی با آستان قدس دنبال کردید؟

فعالیت‌هایی که آستان قدس برای گسترش حرم و صحن‌ها انجام داد، باید مجوز شورای عالی شهرسازی و کمسیون‌های مربوطه را می‌گرفت و استانداری با آنها همکاری را تا این کارها انجام داد.

کا احبابا نقد و انتقادات را نیز منتقل می‌کردید؟ البته آن موقع نقد‌ها صراحت نداشت ولی آیا این نقد‌ها را منتقل می‌کردید؟

من همیشه اعتقاد داشته‌ام در کشور باید از همه نیروها استفاده شود و این عناوینی که ما درست کرده‌ایم؛ ازجمله چه را راست و اصلاح‌طلب و اصولگرا و... چندان واقعیت خارجی ندارد. من همیشه نگاهم این بوده افرادی که به نظام اعتقاد دارند و متدین هستند شهرهای مقدس مشهد و قم، بخشی از اقدامات نمایندگی‌کی ولی فقیه در سیاه در راستای حفظ و ارتقای شاخص‌های معنوی و بصیرت‌افزایی کارکنان و خانواده‌های آنان است.

ادامه در صفحه ۱۹

روزنه

سردار شریف:

راه شهید حججی هاتداوم راه شهدای دفاع مقدس است

● ایبنا: مسئول روابطعمومی کل سپاه، در یادواره ۹۵۰ شهید عملیات کربلای ۵ لشکر ویژه ۲۵ کربلا و سرداران و ۳۳ شهید بییشه‌سر بابل، با بیان اینکه شهدا چشم و چراغ ایران اسلامی هستند، گفت: «برگزازی یادواره شهدا فرصت مغتنمی برای پامداشت حماسه‌آفرینی‌های شهدا و نیز بازخوانی رفتار دشمنان و وضعیت آنهاست».

سردار رمضان شریف، با اشاره به تلاش‌های دشمنان برای به‌انزواکشیدن انقلاب اسلامی در مقاطع مختلف، عنوان کرد: «قدرت برتر الهی در کمک به اهداف انقلاب اسلامی، همواره با مردم ایران همراه بوده است و این موهبت الهی، همچنان تداوم دارد و امروز ایران اسلامی به برکت خون‌های پاک شهدای والا مقام و مجاهدات‌های رزمندگان، به الگوی الهام‌بخش برای انسان‌های آزاده تبدیل شده است».

او با تاکید بر اینکه عزت و سربلندی ایران اسلامی در گرو پیروی از راه شهدا است، گفت: «جاشفانی و رشادت‌های شهدا در دوران دفاع مقدس باعث شد دفاع مقتدرانه و عزت‌آفرینی را در جنگ هشت‌ساله در برابر دنیای استکبار از خود به نمایش بگذارند و امروز بسیاری از آزادی‌خواهان با الگوبرداری از سیره و روش شهدای انقلاب اسلامی، در جبهه‌های مختلف حق علیه باطل پیروز هستند».

سردار شریف با یادآوری شکست‌های رژیم غاصب صهیونیستی از حزب‌الله لبنان، عنوان کرد: «صهیونیست‌ها که خود را شکست‌ناپذیرترین ارتش دنیا می‌دانستند، در برابر حزب‌الله شکست‌های سخت و مفتضحانه‌ای را پذیرا شدند که دلیل برتری نیروهای مقاومت در برابر ارتش اشغالگر، الگوبرداری از سیره و روش شهدای انقلاب اسلامی بوده».

سختگویی سپاه در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به شهادت شهید حججی و تأثیری که این شهادت مظلومانه بر افکار عمومی گذاشت، گفت: «در تصویری که تا سوسی داعشی و ابادی آنها منتشر شد، همه مشاهده کردند که این شهید بزرگوار به ظاهر اسیر انسانی جاهل بود، اما در واقع اعتمادبه‌نفس و آرامش این شهید بزرگوار، ارزش بر اندام داعشی ملعون افکنده بود».

او افزود: «حججی و دیگر یاران شهیدش، این آرامش را از فرهنگ عاشورا و شهادی دوران دفاع مقدس به ارث بردند و آموختند که برای حفظ اسلام ناب محمدی(ص)، باید با اطاعت از ولایت فقیه زمان، از هستی خویش گذشت تا اسلام زنده بماند». شریف در ادامه با تاکید بر اینکه راه شهید حججی‌ها تداوم راه شهادی دفاع مقدس است، گفت: «ارامشی که در جبهه شهادت حججی وجود داشت، باعث تقویت روحیه علاقه‌مندان به فرهنگ اسلام ناب و تضعیف دشمنان شد».

او با بیان اینکه دشمنان انقلاب اسلامی پس از شکست در دوران دفاع مقدس، تهاجم شدید فرهنگی را برای به‌انزواکشیدن انقاب اسلامی به کار گرفتند، عنوان کرد: «دشمن با جنگ فرهنگی درصدد جالش‌آفرینی برای نظام خانواده بود؛ اما در این مسیر باطل نیز به اهداف خود دست نیافت و به تائسی از فرهنگ شهادت، این نقشه شوم تا حدود زیادی خنثی شد». مسئول روابطعمومی کل سپاه در پایان با بیان اینکه شهدا با خدا معامله کردند، گفت: «سعادت دنیا و آخرت ما در گرو الگوبرداری از فرهنگ ایثار و شهادت بوده و باید در تحقق آرمان شهدا، با تمام وجود تلاش کنیم».

مسئولیت خطیر نمایندگی ولی فقیه در هدایت افکار پاسداران

نماینده ولی فقیه در سپاه، روز گذشته در هفتمین جشنواره مالک‌الشر، با بیان اینکه در مقطع حساس و پیچیده‌ای به سر می‌بریم، گفت: «در شرایطی که پیروزی‌های روزافزون جبهه مقاومت و توسعه و گسترش گفتمان انقلاب اسلامی بیش از هر زمان دیگری رخ می‌نماید، دشمن عمق استراتژیک ما را هدف قرار داده و درصدد واردکردن خدشه به اقتدار و عزت ایران اسلامی است».

به گزارش ایرنا، حجت‌الاسلام سعیدی، پاسداری از انقلاب اسلامی را امانتی الهی و تکلیف و رسالتی مهم برشمرد و عنوان کرد: «حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، مسئولیت خطیری را در ارتقای معنویت، بصیرت و نیز هدایت افکار پاسداران در حراست از دستاوردهای انقلاب، مصالح نظام و نیز پیروی از فرامین مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بر عهده داشته و بجمده‌الله تا امروز در تحقق این مهم، در تعامل با مجموعه فرماندهی، توانسته دستاوردها و نتایج مطلوبی را در ادامه ایستادگی، شجاعت و برخورداری از بصیرت انقلابی را راه مبارزه با زیاده‌خواهی و سلطه‌طلبی دشمنان توصیف و با برشماری بخشی از اقدامات مجموعه نمایندگی ولی فقیه در سپاه